

812-60

60

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFECase No. 812Date of filing: 24 July 89

\*\* AWARD - Type of Award Interlocutory  
 - Date of Award 24 July 89  
 \_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* DECISION - Date of Decision \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* CONCURRING OPINION of \_\_\_\_\_  
 - Date \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* SEPARATE OPINION of \_\_\_\_\_  
 - Date \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* DISSENTING OPINION of \_\_\_\_\_  
 - Date \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* OTHER; Nature of document: \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_  
 - Date \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

دیوان داورى دعاوى ایران - ایالات متحده

INTERLOCUTORY AWARD

Case No. 812

Chamber Three

پرونده شماره ۸۱۲

شعبه سه

حکم شماره ۳-۸۱۲-۷۲ آ.ی.تی.ا.ل.

English version  
 Filed on 30 JUN 1989  
 نسخه انگلیسی در تاریخ ۳۰ / ۶ / ۱۳۶۸  
 ثبت شده است.

ابراهیم رحمان گلشنی،

خواهان،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران،

خوانده.

IRAN UNITED STATES  
 CLAIMS TRIBUNAL  
 دادگاه داورى دعاوى  
 ایران - ایالات متحده

**ثبت شد - FILED**

Date 24 JUL 1989

تاریخ ۲ / ۵ / ۱۳۶۸

قرار اعدادی

DUPLICATE  
 ORIGINAL  
 نسخه برابر اصل

## اول - جریان رسیدگی

۱ - در تاریخ ۲۹ دیماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۲]، ابراهیم رحمان گلشنی ("خواهان") دادخواستی علیه دولت جمهوری اسلامی ایران ("ایران") تسلیم و بابت مصادره ادعایی علائق خود در شرکت نوسازی و عمران تهران و سایر اموال خود بعد از مه ۱۹۷۹ مبلغ /- ۱,۷۱۰,۷۱۲,۴۵۰ دلار آمریکا مطالبه نمود. در تاریخ ۱۳ مهرماه ۱۳۶۱ [پنجم اکتبر ۱۹۸۲] خواهان اظهاریه‌ای تحت عنوان "اصلاحیه‌ای به دادخواست" تسلیم نمود و مبلغ مدعی به را به /- ۱,۰۵۶,۹۰۴,۴۶۰ دلار آمریکا تقلیل داد و در هشتم فروردین‌ماه ۱۳۶۲ [۲۸ مارس ۱۹۸۳] اصلاحیه دادخواست خود را اصلاح و ضمن سایر اقلام، خواسته نقدی خود را به مبلغ /- ۱,۰۵۷,۹۰۴,۴۶۰ دلار آمریکا به اضافه بهره، تغییر داد. دیوان طی دستور مورخ ۲۸ آبانماه ۱۳۶۱ [۱۹ نوامبر ۱۹۸۲] خود از ایران درخواست کرد که تا تاریخ ۲۶ اسفندماه ۱۳۶۱ [۱۷ مارس ۱۹۸۳] دفاعیه خود را تسلیم نماید، لیکن تاکنون دفاعیه‌ای توسط ایران تسلیم نشده است.

۲ - خواهان در دادخواست خود مدعی است که تبعه ایالات متحده است.

۳ - در تاریخ ۱۷ فروردین‌ماه ۱۳۶۳ [ششم آوریل ۱۹۸۴]، دیوان عمومی تصمیمی در پرونده شماره الف ۱۸ صادر کرده در آن نظر داد که دیوان "صلاحیت رسیدگی به دعاوی اتباع مضاعف (اتباع ایران و ایالات متحده) علیه ایران را در مواردی دارد که تابعیت غالب و موثر خواهان طی دوره ذیربط (از تاریخ ایجاد ادعا تا ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱/۲۹ دیماه ۱۳۵۹) تابعیت ایالات متحده بوده است." تصمیم شماره ۳۲- الف ۱۸ - دیوان عمومی، ص ۱۹، (منتشره در 5 Iran-U.S. C.T.R. 251, 265).

۴ - در تاریخ هفتم تیرماه ۱۳۶۴ [۲۸ ژوئن ۱۹۸۵] دیوان از خواهان درخواست کرد که کلیه ادله و مدارک کتبی را که مایل است دیوان در تعیین تابعیت غالب و موثر وی

مورد بررسی قرار دهد، تسلیم نماید و در تاریخ هفتم شهریورماه ۱۳۶۴ [۲۹ اوت ۱۹۸۵] خواهان لایحه‌ای درباره موضوع تابعیت خود تسلیم کرد. دیوان متعاقباً از ایران دعوت نمود که "کلیه ادله و مدارکی را که مایل است دیوان در مورد موضوع تابعیت خواهان مورد رسیدگی قرار دهد" به ثبت رساند. دیوان پس از سه نوبت تمدید مهلت اولیه، در تاریخ ۱۷ بهمن‌ماه ۱۳۶۵ [ششم فوریه ۱۹۸۷] چهارمین درخواست تمدید مهلت ایران را رد کرد و به طرفین اطلاع داد که در نظر دارد به محض آنکه برنامه کار دیوان اجازه دهد، طبق بند ۳ ماده ۲۸ قواعد دیوان، براساس مدارکی که آن موقع در دست خواهد داشت، به شور درباره موضوع صلاحیت در پرونده حاضر بپردازد.

۵ - در تاریخ ۲۶ اردیبهشت ماه ۱۳۶۷ [۱۶ مه ۱۹۸۸] ایران از دیوان درخواست کرد که به خواهان دستور دهد مدارکی راجع به موضوع تابعیت غالب و موثر خود تسلیم نماید.

۶ - در تاریخ ۲۰ تیرماه ۱۳۶۷ [۱۱ ژوئیه ۱۹۸۸] خواهان به درخواست مورخ ۲۶ اردیبهشت ماه ۱۳۶۷ [۱۶ مه ۱۹۸۸] ایران پاسخ داد. عکسی از شناسنامه ایرانی و فتوکپی سند واگذاری قطعی و ترجمه رسمی آن پیوست پاسخ خواهان است.

۷ - در تاریخ دهم شهریورماه ۱۳۶۷ [اول سپتامبر ۱۹۸۸] ایران لایحه‌ای تحت عنوان "لایحه صلاحیتی خوانده درخصوص عدم بروز ادعا و تابعیت خواهان" تسلیم نمود و در آن اظهار داشت که تابعیت غالب و موثر خواهان بعثت آنکه وی در ایران از والدین ایرانی متولد شده و بیست و چهارسال از عمر خود را در آن کشور گذرانده، تابعیت ایرانی است.

دوم - شرح وقایع

۸ - ابراهیم رحمان گلشنی در تاریخ ۲۹ آذرماه ۱۳۲۴ [۲۰ دسامبر ۱۹۴۵] در تهران، ایران از پدر و مادری ایرانی متولد شد و کودکی خود را در ایران گذراند و تحصیلات خود را تا پایان دوره متوسطه در مدارس مختلف ایران پایان رساند.

۹ - در سال ۱۹۶۹، خواهان در سن بیست و چهارسالگی، به قصد ادامه تحصیلات عالی از ایران به ایالات متحده رفت. در ابتدای ورود به این کشور، در مدارس زبان انگلیسی در لوس آنجلس و آلبانی کالیفرنیا و سپس در پائیز سال ۱۹۷۱ در جونپور کالج کابریلو در سانتاکروز ایالت کالیفرنیا ثبت نام نمود. وی همچنین درخواست صدور کارت تامین اجتماعی ایالات متحده کرد و آن را گرفت. در سال ۱۹۷۲ با استفاده از یک بورس تحصیلی ورزشی، به دانشگاه سانفرانسیسکو در شهر سانفرانسیسکو کالیفرنیا رفت و در آنجا در بهار سال ۱۹۷۶ درجه لیسانس در اقتصاد گرفت.

۱۰ - در مدت اقامت در شهر سانفرانسیسکو، خواهان مدت کوتاهی تحصیلات خود را رها کرد و سهامی از یک رستوران (بنام "رد روف") و یک کاباره (به نام "گلدن گرومت") خریداری کرد و مدت یکسال مالک این موسسات بود و مدیریت آنها را بعهده داشت و سپس تصمیم گرفت به دانشگاه سانفرانسیسکو مراجعت نماید و تحصیلات خود را پایان رساند.

۱۱ - خواهان در هنگام تحصیل در دانشگاه سانفرانسیسکو، در سال ۱۹۷۳ در شهر رینو در ایالت نوادا با خانم کترین وینسی که متولد و تبعه ایالات متحده است ازدواج کرد و مدت کوتاهی پس از آن، در اواسط سال ۱۹۷۴ تقاضای اقامت دائم در آن کشور نمود و آن را گرفت. در ژوئن ۱۹۷۷ وی و همسرش خانه‌ای در شهر آنتیوک در ایالت کالیفرنیا و بعدها خانه و مستغلاتی در پالم بیچ گاردنز و نورث پالم بیچ

در ایالت فلوریدا خریداری کردند.

۱۲ - خواهان پس از پایان تحصیلات در دانشگاه، در اوائل سال ۱۹۷۷ در مدرسه آموزش بین‌المللی در شهر براتل بورو در ایالت ورمونت پذیرفته شد. طبق اظهار خواهان یک دوره شش ماهه کارآموزی مدیریت در یکی از شرکتهای امریکایی یا خارجی جزو برنامه آموزشی مدرسه مزبور بود. دانشجو ضمن گذراندن دوره کارآموزی می‌بایست به ثبت نام خود در مدرسه ادامه داده و ضمن انجام کار در شرکت، گزارشهایی به اساتید راهنما تسلیم نماید. از آنجا که خواهان در شرکت نوسازی و عمران تهران بستگانی داشت، تصمیم گرفت دوره کارآموزی خود را در آن شرکت طی کند و در نتیجه در سال ۱۹۷۸ به ایران رفت. در اوایل سال ۱۹۷۹ خواهان به ایالات متحده مراجعت کرد و در اوت ۱۹۸۰ موفق به اخذ درجه شد.

۱۳ - خواهان در تاریخ ۱۸ مردادماه ۱۳۵۷ [نهم اوت ۱۹۷۸]، به تابعیت ایالات متحده درآمد.

۱۴ - در اوت ۱۹۷۹، خواهان شرکت آر. جی کورپوریشن (فلوریدا) را به منظور اشتغال در عمران و سرمایه‌گذاری در مستغلات تشکیل داد. همچنین در ماه مه ۱۹۸۰ خواهان در بنیانگذاری یک شرکت فلوریدایی به نام ری اینوستمنت کورپوریشن (فلوریدا) شرکت کرد که در زمینه مستغلات و ساختمان و عمران فعالیت داشت. طبق اظهار خواهان، وی از آن زمان به بعد، به مدیریت شرکتهای فوق اشتغال داشته است.

۱۵ - خواهان ادعا می‌کند که در طول مدت اقامت خود در ایالات متحده، نزد بانکهای مختلف در ایالات کالیفرنیا و فلوریدا حسابهای بانکی داشته و مضافاً اینکه، هیچگاه در خارج از ایالات متحده، حساب بانکی نداشته است. وی اظهار می‌دارد که پس

از کسب تابعیت ایالات متحده در سال ۱۹۷۸، در انتخابات محلی و ملی در کالیفرنیا رای داده و از سال ۱۹۷۳ در ایالات متحده مالیات بردرآمد پرداخته است. خواهان مضافاً اظهار می‌دارد که از هنگام ورود به ایالات متحده در سال ۱۹۶۹، فقط دو بار به ایران مسافرت کرده است. سفر اول وی به مدت پانزده روز در تابستان ۱۹۷۵ بقصد دیدار خانواده و سفر دوم در سال ۱۹۷۸ به منظور طی دوره کارآموزی تحصیلی بوده است.

۱۶ - خواهان و همسرش سه فرزند دارند که یکی از آنها پسر از ازدواج اول همسر اوست. دو فرزند دیگر، کاوه وینس در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ [۱۱ فوریه ۱۹۷۹] و ودا کترین در ۱۹ شهریورماه ۱۳۶۱ [دهم سپتامبر ۱۹۸۲] در ایالات متحده متولد شدند. خواهان اظهار می‌دارد که همسر و فرزندانش فارسی صحبت نمی‌کنند و در منزل آنها انگلیسی تنها زبان محاوره است. وی مضافاً اظهار می‌کند که فرزندانش به آئین کاتولیک رم پرورش می‌یابند و پسر ارشد در حال حاضر در مدرسه کاتولیک درس می‌خواند.

#### سوم - تصمیم دیوان

۱۷ - دیوان ابتدا باید تعیین کند که آیا خواهان از تاریخ بروز ادعا تا ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] تبعه ایالات متحده بوده است یا ایران و یا تابعیت هر دو کشور را داشته است. چنانچه دیوان به این نتیجه برسد که خواهان تابعیت هر دو کشور را دارد، آنگاه باید تعیین کند که کدام تابعیت طی دوره ذیربطه، تابعیت "غالب و موثر" بوده و در نتیجه باید از لحاظ صلاحیت دیوان در جریان رسیدگی حاضر، تعیین‌کننده شناخته شود. پرونده شماره الف ۱۸، تصمیم شماره ۳۲-الف ۱۸- دیوان عمومی، ص ۱۹، مورخ ۱۷ فروردین‌ماه ۱۳۶۳ [ششم آوریل ۱۹۸۴]، (منتشره در 5 Iran-U.S. C.T.R. 251, 265).

۱۸ - از سوابق پرونده روشن است که بموجب ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران، خواهان بلاخط محل تولد و تابعیت ایرانی پدر خود، تبعه ایران است. در عین حال، روشن است که خواهان تبعه ایالات متحده نیز هست. بطوریکه از گواهی اکتساب تابعیت منضم به اظهاریه خواهان برمی آید، وی در تاریخ ۱۸ مردادماه ۱۳۵۷ [تیم اوت ۱۹۷۸] تابعیت ایالات متحده را کسب نمود. بدین ترتیب، خواهان تبعه هر دو کشور ایران و ایالات متحده می باشد.

۱۹ - بدین ترتیب، موضوع موثر در مقام این است که تابعیت غالب و موثر خواهان در دوره ذیربط تعیین شود. دیوان در تصمیم خود در پرونده شماره الف ۱۸ خاطر نشان ساخت که تعیین تابعیت غالب و موثر یک خواهان مستلزم در نظر گرفتن "کلیه عوامل ذیربط و از جمله محل اقامت معمولی، مرکز علایق و منافع، پیوندهای خانوادگی، مشارکت در زندگی عمومی و سایر شواهد وابستگی" است. همان ماعخذ. در رأی این شعبه در پرونده رضا سعید مالک و جمهوری اسلامی ایران، بند ۱۴ قرار اعدادی شماره ۳-۱۹۳-۶۸ مورخ دوم تیرماه ۱۳۶۷ [۲۳ ژوئن ۱۹۸۸] دیوان نظر داد که "در واقع، تمام عمر خواهان از بدو تولد، و کلیه عواملی که در فاصله این مدت بر واقعیت و خلوص نیت او در انتخاب تابعیت مورد ادعای وی دلالت داشته باشند، حائز اهمیت هستند".

۲۰ - با اعمال این ضابطه در مورد واقعیات موجود در این پرونده، دیوان ملاحظه می کند که خواهان با اینکه بیست و چهار سال اول عمر خود را در ایران گذراند و تا پایان دوره متوسطه در مدارس ایران تحصیل کرد، در سال ۱۹۶۹ به قصد ادامه تحصیل در یک کالج آمریکایی، به ایالات متحده رفت و به نظر می رسد که خواهان پس از آشنایی با کاترین وینسی (که تبعه ایالات متحده است) و ازدواج با وی در دسامبر ۱۹۷۳، مصمم شد که بطور دائم در ایالات متحده اقامت و فرزندان خود را به عنوان اتباع این کشور بزرگ کند. موعید این نتیجه گیری، این واقعیت است که



خواهان مدت کوتاهی بعد از ازدواج، درخواست اجازه اقامت دائم در ایالات متحده نمود و از طریق مالکیت و مدیریت یک رستوران و کاباره در سانفرانسیسکو و بعداً اشتغال در امور عمران مستغلات در فلوریدا، در محافل بازرگانی دو ایالت مزبور فعالانه شرکت کرد.

۲۱ - گرچه خواهان در سال ۱۹۷۸ و اوایل سال ۱۹۷۹ به ایران مراجعت کرد، سوابق پرونده حاکی از آن است که مراجعت وی به منظور معینی، یعنی گذراندن دوره کارآموزی لازم برای تحصیلات دوره بعد از لیسانسش بود. تصمیم خواهان داور بر عدم اقامت دائم در ایران مضافاً از این واقعیت برمی آید که وی در آن هنگام خانواده خود را همراه خود به این کشور نبرد، بلکه خود تنها به ایران سفر کرد. بنابراین از سوابق پرونده چنین بنظر می رسد که خواهان قصد نداشت در ایران اقامت کند بلکه منظورش صرفاً آن بود که دوره کوتاه کارآموزی را طی کند و سپس نزد خانواده اش مراجعت نماید.

۲۲ - از سال ۱۹۶۹ به بعد، وابستگی های اجتماعی، شغلی و تحصیلی خواهان در ایالات متحده بوده است. بطوریکه نسخ اظهارنامه های مالیاتی و صورتحساب های بانکی خواهان نشان می دهد، وی حداقل از سال ۱۹۷۳ در ایالات متحده مالیات پرداخت کرده و در موسسات مختلف بانکی آن کشور حساب داشته است. در واقع، طبق مندرجات دادخواست، اموالی که حسب ادعا صادره شده، در سال ۱۹۷۹ که برادر خواهان حسب ادعا مالکیت آنها را به وی انتقال داد، در مالکیت خواهان درآمد و بدین ترتیب، این ادعا که خواهان در ایران اموالی دارد، نشانه آن نیست که خواهان پس از عزیمت اولیه خود از ایران در سال ۱۹۶۹، با آن کشور تماس های بلند مدت بازرگانی داشته است.

۲۳ - بنابراین، دیوان چنین نتیجه می گیرد که تابعیت غالب و موثر ابراهیم رحمان گلشنی

از تاریخی که ادعای وی حسب ادعا ایجاد شده تا تاریخ ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹] ژانویه ۱۹۸۱، تابعیت ایالات متحده بوده است.

چهارم - قرار

۲۴ - بنا به مراتب پیشگفته،

دیوان به شرح زیر قرار صادر می‌کند:

الف - از لحاظ صلاحیت دیوان، تابعیت غالب و موثر خواهان، ابراهیم رحمان گلشنی، تابعیت ایالات متحده است.

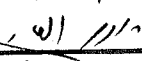
ب - برنامه زمانی تسلیم دفاعیه خوانده و لوائج و مدارک طرفین در مورد کلیه موضوعات دیگر پرونده، طی دستور جداگانه‌ای تعیین خواهد شد.

لاشه، به تاریخ ۲۴... میرداد... ۱۳۶۸ برابر با ۲۴... ژوئیه... ۱۹۸۹



گایتانو آرانجیو - روئیتس  
رئیس شعبه سه

بنام خدا



پرویز انصاری معین  
نظر مخالف



ریچارد سی. الیسون